

مکتب ادبی کرمانشاہ ۷

فوان مطاعم

شرح

دیوان اطعمه

تصنیف

أملح المتکلمین، ملا محمد حسن

(بسمل کرمانشاهی)

(۱۲۵۵ - ۱۱۸۵ ه. ق)

شرح، تعلیقہ، تحشیہ و تصحیح

دکتر محمد ابراہیم المیر

مہین دانی چین

سرشناسه	مالیر، محمدابراهیم، ۱۳۴۱ - توشیحگر، مصحح.
عنوان قراردادی	دیوان اطعمه، شرح.
عنوان و نام پدیدآور	خوان مطاعم، شرح دیوان اطعمه، تصنیف أملح المتکلمین، ملا محمدحسن، (بسمل کرمانشاهی) شرح، تحشیه، تعلیقه و تصحیح: محمدابراهیم مالیر؛ مهین دانی چین.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات انصاری؛ کرمانشاه: مؤسسه شیفتگان کمال، ۱۴۳۴ ق. = ۲۰۱۳ م. = ۱۳۹۲ ش.
مشخصات ظاهری	چهل و چهار + [۴] + ۲۲۳: مصور، نمونه.
فروست	مکتب ادبی کرمانشاه ۷.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۵-۰۴-۲: ۱۲۰۰۰ ریال (شومیز)؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال (گالینگور).
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
یادداشت	کتاب حاضر به مناسبت همایش بین المللی «گونه های ادبی در مکتب ادبی کرمانشاه و با حمایت شورای شهر و شهرداری کرمانشاه منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۲۳-۲۰۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه.
موضوع	دیوان کرمانشاهی، محمدحسن، ۱۱۸۵ - ۱۲۵۵ ق.، دیوان اطعمه، نقد و تفسیر.
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۳ ق.، تاریخ و نقد.
شناسه افزوده	دانی چین، مهین، ۱۳۵۷ - توشیحگر، مصحح.
شناسه افزوده	بسمل کرمانشاهی، محمدحسن، ۱۱۸۵ - ۱۲۵۵ ق.، دیوان اطعمه، شرح.
شناسه افزوده	همایش بین المللی «گونه های ادبی در مکتب ادبی کرمانشاه».
شناسه افزوده	شورای اسلامی شهر کرمانشاه.
شناسه افزوده	شهرداری کرمانشاه.
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ۹۰۸۷ ۵۰۵ ۶۹۱۹/۵ PIR
رده بندی دیویی	۸۵۱/۵۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۴۷۸۲۱

خوان مطاعم؛ شرح دیوان اطعمه

مصنف: أملح المتکلمین، ملا محمدحسن (بسمل کرمانشاهی)

شرح، تحشیه، تعلیقه و تصحیح: دکتر محمدابراهیم مالیر. عضو هیأت علمی دانشگاه رازی

کرمانشاه، مهین دانی چین.

ویراستار ادبی: اعظم محمددخت.

ناشر: تهران: انتشارات انصاری. ناشر همکار: کرمانشاه: مؤسسه فرهنگی هنری شیفتگان کمال.

حروفچینی و صفحه آرایی: مؤسسه شیفتگان کمال: علیرضا مالیر و سایه مالیر.

نمونه خوانی و تنظیم فهارس: سمیه فلاحتی نژاد و کلثوم ملک.

چاپ اول: مرداد ۱۳۹۲ ه. ش؛ شوال ۱۴۳۴ ه. ق؛ اوت ۲۰۱۳ م.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه.

قیمت: شومیز: ۱۲۰۰۰ تومان؛ گالینگور: ۱۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-7085-04-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۵-۰۴-۲

چاپ اول این کتاب با حمایت شورای شهر و شهرداری کرمانشاه و به مناسبت

همایش بین المللی «گونه های ادبی در مکتب ادبی کرمانشاه» بچاپ رسیده است

WWW.shifteganekamal.blogfa.com

تلفکس: ۰۸۳۱-۷۲۴۴۲۹۰

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	نه
نام و نسب مصنف	هفده
تاریخ تولد بسمل کرمانشاهی	بیست و چهار
خانواده بسمل کرمانشاهی	بیست و چهار
مولی محمد محسن معلم (فاری) کرمانشاهی	بیست و پنج
مولی محمد مهدی بن ملا محمد محسن	بیست و هشت
مولی محمد حسین واعظ کرمانشاهی	سی
ملا محمد اسماعیل مدرّس یا ملا سمیعای مدرّس	سی
ملا محمد حسین مدرّس	سی و یک
علامه علم الهدی و ملا محمد محسن فیض کاشانی	سی و یک
فضل، علم و هنر بسمل کرمانشاهی	سی و دو
تاریخ وفات بسمل کرمانشاهی	سی و چهار
نسخه شناسی	سی و هفت
روش تصحیح	چهل و دو
دباجة مصنف	۱
نعت النبی ﷺ	۷
نعت الوصی علیّه السلام	۹
نعت ائمة الاطهار علیهم السلام	۱۴
در مجلس بستگان فتحعلی خان قاجار بیگلربیگی الکای کرمانشاهان گفته شد	۲۴

۳۱	در مرافعه دینور در خصوص ملک چوبینه فاضل خان خدابنده‌لو و مصطفی خان جلیلوند
۵۷	مرافعه دینور در خصوص قراغاج با کریم خدابنده‌لو
۵۷	بهاریه
۶۰	غزل
۶۲	رزمیه
۶۷	ساقی‌نامه
۸۱	موسیقی
۹۰	غزل
۹۱	تعریف خیمه
۹۲	غزل
۹۳	مطلع نو
۹۶	تعریف پیر
۹۹	وصف الحال در مقابل نظامی
۱۰۱	مکتوبی که در شام نوشته شد با شرح احوال
۱۱۱	غزل موافق مذاق ابنای روزگار
۱۱۲	خالی از ظرافت نیست
۱۱۴	غزل در ظرافت
۱۱۵	غزل در ظرافت
۱۱۷	غزل در ظرافت گفته شد
۱۱۸	وله در ظرافت
۱۱۹	در تاریخ وفات خود گفت و نمرود
۱۲۲	جواب حافظ به طریق ظرافت
۱۲۳	غزل در ظرافت گفته شد
۱۲۴	جواب حافظ بر مذاق ابنای روزگار

۱۲۵	غزل در ظرافت
۱۲۶	غزل به طریق ظرافت در طهران گفته شد
۱۲۷	در عرض راه مکّه گفته شد
۱۲۹	غزل به طریق ظرافت و شوخی
۱۲۹	ایضا به طریق مجلس آرای گفته شد
۱۳۱	در جواب سعدی به طریق شوخی
۱۳۱	در جواب حافظ به طرز مجلس آرای
۱۳۲	در مجلسی گفته شد
۱۳۲	چهار مختلف: انگور، گلشن، شیر، هندوانه
۱۳۳	صحرای عشق
۱۳۵	قصیده مشتمله بر الفاظ مشکله فارسی و غیره
۱۳۵	بر وفق مذاق اهل روزگار
۱۴۲	در تفرّج گیلان گفته شد
۱۴۳	در هنگام گرفتاری به درد مفاصل
۱۴۳	در شرح احوال و مجلس آرای گفته شد
۱۴۵	غزل
۱۴۷	معراج خیال
۱۶۳	وصیّت نامه
۱۶۳	رباعی
۱۶۵	غزل در نصیحت

فهرست‌ها

۱۶۹	فهرست آیات
۱۷۲	فهرست احادیث و روایات
۱۷۳	فهرست الفبایی ابیات

(هشت) خوان مطاعم، شرح (دیوان اطعمه)

۱۹۳	فهرست اصطلاحات اطعمه و اشربه
۱۹۶	فهرست ظروف و وسائل آشپزخانه
۱۹۷	فهرست راهنمای لغات، تعبیرات و اصطلاحات شرح شده
۲۰۱	فهرست اعلام اشخاص
۲۰۳	فهرست اقوام و گروه‌ها
۲۰۳	فهرست کتب
۲۰۴	فهرست اماکن
۲۰۵	فهرست منابع و مأخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای نام تو دیباجة دیوان مطاعم رنگین بود از نعمت تو خوان مطاعم
 کاشانه عشق ابدی مطیخ جودت گسترده در آن سفره الوان مطاعم

مقدمه: همین کتاب، ص ۱

خوان مطاعم، خوان نعم حضرت کریمی است که از لطف عمیم، نان جسم و جان انس و جان را آفرید^۱.

خوان مطاعم، خوان احسان^۱ و سفره الوان^۲ حضرت متان و روزی رسان حنان مستان و هشیاران است که دست هیچ کس از دامان حضرت رحمانش کوتاه نیست^۳.

خوان مطاعم، خوان نعمت الوان^۵ حی سبحانی است که انس و جان با خوان عمیم

- ۱- بسمل: سزاوار حمد آنکه نان آفرید
 کریمی که از خوان پر نعمتش
 همین کتاب، ص ۲۴
- ۲- بسمل: بنام ایزد از شوکت و شأن تو
 همین کتاب، ص ۲۶
- ۳- بسمل: کاشانه عشق ابدی مطیخ جودت
 گسترده در آن سفره الوان مطاعم
 همین کتاب، ص ۱
- ۴- بسمل: رسد روزی از وی به هشیار و مست
 ... به دامان وصفش نه دست کسی
 همین کتاب، ص ۲
- ۵- بسمل: بود خوان چو از نعمت الوان ترا
 مبادا کم این نعمت از خوان ترا
 همین کتاب، ص ۲۶

نعیم آن، بی‌نیاز از سفره لثیمان^۱ و بخیلاند^۲.

خوان مطاعم، نعمت خوان میزبان خلایق و میهمان حضرت دیان^۳ در میبیت حضرت رحمان^۴ و خاندان عظیم الشان ایشان علیهم‌السلام است که همه انس و جان، نمک‌پرورد آن سفره و خوانند^۵.

خوان مطاعم، خوان نوال^۶ قسیم رزق خلایق، علی ابن ابیطالب^۷، میهمان حرم سرای کبریاء^۸، رسول ابرار و آل اطهار^۹ اوست.

۱- بسم:

پا کشیدن ز بیم دونا به دست از سفره لثیمان به

۲- بسم: همین کتاب، ص ۳۳

پلوخوری که به پول بخیل رشک برد به خاک می‌برد البته این تمنا را

۳- بسم: همین کتاب، ص ۱۱۴

شہسوار لیلۃ الاسری، لعمرک منزلت میهمان خالق، اما بر خلایق میزبان

همین کتاب، ص ۸

۴- رسول خدا ﷺ: «أَيُّتْ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِيَنِي» ر.ک: همین کتاب، ص ۸

۵- بسم:

نمک‌پرور خاندان توام نناگس آش و نان توام

۶- بسم: همین کتاب، ص ۲۶

ریزه‌خواری بود از خوان نوالش خسرو جیره‌داری بود از مطبخ او اسکندر

۷- بسم: همین کتاب، ص ۲۰

قسیم رزق خلایق، امام جن و بشر امیر مجمع انصاف و ساقی کوثر

شفیع روز جزا، میزبان هر دو سرا علی، ولی خدا، جانشین پیغمبر

۸- ر.ک: همین کتاب، ص ۸ همین کتاب، ص ۹

۹- بسم:

یا رب از ورطه هجرم بنما راه وصال به علی بن ابی طالب و پیغمبر و آل

همین کتاب، ص ۱۱۰

باد فتح و علیش یاور و یار به محمد و آلہ الأطهار

همین کتاب، ص ۳۷

خوان مطاعم، ماندهٔ پر فایدهٔ غذای دل^۱ عاشقان، یعنی ذکر غایت آمال عارفان^۲ و عبادات و طاعات اهل ایقان است.^۳

خوان مطاعم، ماندهٔ لقمه‌های نورانی عقل^۴ و غذای بواطن نقل خاصگان دولت

۱- مولوی:

دل تو را در کوی اهل دل کشد
هین غذای دل طلب از همدلی

تن تو را در حبس آب و گل کشد
رو بجو اقبال را از مقبلی
مثنوی معنوی، دفتر اول، ابیات ۷۲۵-۷۲۶

۲- سنایی:

عاشقان جان و دل فنا کردند

ذکر او روز و شب غذا کردند
حدیقة الحقیقه، سنایی غزنوی، ص ۱۱۱

۳- شمس الدین محمد اسیری لاهیجی:

ذکر تسبیح به هر دم بی‌درنگ
سیب و زردآلو و انگور و نبات
لاله و گلها و ریحان و سمن
.... جوی خمر و جوی شیر و جوی آب
مستی و شوق است جوهای شراب
ذوق طاعاتها و لذات عمل
صورت علم لدنی، جوی شیر
شد عبادتها و طاعات ای پسر

مسی‌نماید مسیوه‌های رنگ رنگ
شد نماز و ذکر و تسبیح و صلوة
جمله طاعات است و اخلاق حسن
جمله اوصاف تو آمد در حساب
شد مجال ذکر و فکرت جوی آب
مسی‌نماید صورت جوی غسل
طفل را گر شیر نبود، مرده گیر...
آن طعام و شربت همچون شکر

ر.ک: اسرار الشهود، اسیری لاهیجی، ص ۴۰؛ مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، اسیری لاهیجی، ص ۴۴۴.

۴- مولوی:

مانده عقل است نی نان و شوی
نیست غیر نور آدم را خورش
زین خورشها اندک باز بر
تا غذای اصل را قابل شوی
عکس آن نور است کاین نان، نان شده‌ست

نور عقل است ای پسر جان را غذی
از جز آن جان نیابد پرورش
کاین خوراک خور بود نی آن خور
لقمه‌های نور را آکل شوی
فیض آن جان است، کاین جان شده‌ست

است.^۱

خوان مطاعم، سفره نور لا یزال جلال و مایه سحر حلال^۲ و غذای اصلی بی ملال
میهمانان حضرت ذو الجلال محب الجمال است.

خوان مطاعم، سفره نور حکمت^۳ و علم^۴ و شعاع معرفت^۵، بلکه نور خداست^۶ که

چون خوری یک بار از ماکول نور خاک ریزی بر سر نان و تنور
مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۱۹۵۹-۱۹۵۴

۱- مولوی:

قوت اصلی بشر نور خداست	قوت حیوانی مر او را ناسازست
لیک از علّت درین افتاد دل	که خورد او روز و شب زین آب و گل
روی، زرد و پای، سست و دل، سبک	کو غذای و السماء ذات الحبک
آن غذای خاصگان دولت است	خوردن آن بسی گلو و آلت است
شد غذای آفتاب از نور عرش	بر حسود و دیو را از دود فرش
مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۱۰۸۷-۱۰۸۳	

۲- مولوی:

گاو آبی گوهر از بحر آورد	بهد اندر موج و گردش می چرد
در شعاع نور گوهر گاو آب	می جرد از سنبل و سوسن شتاب
زان فکنده گاو آبی عنبرست	کو غذای نرگس و نیلوفر است
هر که باشد قوت او نور جلال	چون فزاید از لاش سحر حلال

مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات ۲۹۲۵-۲۹۲۲

۳- حضرت عیسی علیہ السلام: «انّ الحِکْمَةَ نُورٌ کُلُّ قَلْبٍ وَ التَّقْوَى رَأْسُ کُلِّ حِکْمَةٍ» ر.ک: تحف
العقول، ابن شعبه الحرانی، ص ۵۱۲: بحار الأنوار، العلامة المجلسی، ج ۱۴، ص ۳۱۶؛
مستدرک سفینه البحار، الشیخ علی النمازی الشاهرودی، ج ۲، ص ۳۵۵: تاریخ مدینه دمشق،
ابن عساکر، ج ۶۸، ص ۶۸.

مولوی:

معه را خو کن بدان ریحان و گل	تا بیابی حکمت و قوت رسل
خوی معده زین که و جو باز کن	خوردن ریحان و گل آغاز کن



معدۀ دل سوی ریحان می‌کشد
هر که نور حق خورد قرآن شود

معدۀ تن سوی کهدان می‌کشد
هر که کاه و جو خورد قربان شود

مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۲۴۷۵-۲۴۷۸

۴- امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ بَلْ هُوَ نُورٌ يَقْدَحُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ. ر.ک: منية المرید، الشهيد الثاني، ص ۱۴۹، ۱۶۷: بحار الأنوار، العلامة المجلسي، ج ۶۷، ص ۱۴۰: شجرة طوبی، الشيخ محمد مهدي الحائري، ج ۱، ص ۳۸: الأصول الأصلية للفيض القاساني، ص ۱۶۵: اللمعة البيضاء، التبريزي الأنصاري، ص ۳۸۰: الإمام الصادق علیه السلام، علم وعقيدة، رمضان لاوند، ص ۱۵۲.

در باوری عرفانی «علم الهامی و وحیانی»، از ناودان فکر و اندیشه می‌ریزد و نور «علم و حیانی»، سالک را آسمانی کرده و کلام او نورانی می‌کند:

با سخن هم نور را همراه کند
تا حدیث را شود نورش روی
بس ز علمت نور باید قوم لد
کاسمان هرگز نیارد غیر پاک
ناودان بارش کند نبود بکار
آب اندر ابر و دریا فطرتی است
و حی و مکشوف است ابر و آسمان
ناودان هسایه در جنگ آورد

شیخ نورانی ز ره آگه کند
جهد کن تا مست و نورانی شوی
علم اندر نور چون فرقرده شد
هر چه گویی باشد آن هم نور ناک
آسمان شو، ابر شو، باران ببار
آب انسدر ناودان عاریتی است
فکر و اندیشه است مثل ناودان
آب باران باغ صد رنگ آورد

مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۲۴۸۴-۲۴۹۱

۵- علی علیه السلام: «الْعِلْمُ شُعَاعُ الْمَعْرِفَةِ وَقَلْبُ الْإِيمَانِ» ر.ک: بحار الأنوار، العلامة المجلسي، ج ۲، ص ۵۳.

۶- مولوی:

همچنین رنگ خیال انسدر
و آن درون از عکس انوار علی
نور چشم از نور دل‌ها حاصل است
کو ز نور عقل و حس پاک و جداست

نیست دید رنگ از نور برون
این برون از آفتاب و از سهی
نور نور چشم خود نور دل است
باز نور نور دل، نور خداست

مثنوی معنوی، دفتر اول، ابیات ۱۱۲۴-۱۱۲۷

نور همه انوار، بلکه نور نور نور نور نور^۱ و باطن همه اسرار است.
طعام آن، قوت جان تنگدستان طریقت عرفان، یعنی دوستی خدای سبحان^۲ و
غذای هویت^۳ و دریافت جمال قدم سرمدیت حضرت واحدیت و احدیت است^۴. و
شراب آن نور باده^۵، بلکه آفتاب^۶، خورشید^۷ و چراغ می^۸ است که از مشرق ساغر^۹ و

۱- مولوی:

این قدر خود درس شاگردان ماست
تا کجا آنجا که جا را راه نیست
از همه اوهام و تصویرات دور
کز و فر مله ما تا کجاست
جز سنا برق مه الله نیست
نور نور نور نور نور نور
مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات ۲۱۴۴-۲۱۴۶

۲- ابوالحسن خرقانی گوید: «طعام و شراب جوانمردان، دوستی خدا بود.» ر.ک: تذکرة الاولیاء، عطار نیشابوری، ص ۷۰۰.

۳- شاه نعمت الله ولی:

به هویت غذا دهد ما را
مستعدیم و هر چه می جویم
ر.ک: رسائل شاه نعمت الله ولی، ج ۴، ص ۵۱۶.

۴- قوت، در قاموس عرفان، «غذای عاشق بود، از دریافت جمال قدم که ادراک هیچکس بدان محیط نشود.» ر.ک: کشاف اصطلاحات الفنون، تهانوی، ص ۱۱۷۵.

۵- حافظ:

ساقی به نور باده برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
۶- حافظ:

چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید
همان، ص ۱۵۸

آفتاب می، آفتاب عقل، معرفت و حقایق است:
مولوی:

گر نبودی سوز مهر و اشک ابر
کی بدی معمور این هر چار فصل
کی شدی جسم و عرض زفت و سطر
چون همی دارد جهان را خوش دهان
گر نبودی این تف و این گریه اصل

پیاله^۱، یعنی مشرق دل^۲ و جان^۳ و شرق فؤاد^۴ طلوع می‌کند.

چشم را چون ابر اشک افروز دار مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۱۴۲-۱۳۹	آفتاب عقل درد و سوز دار
تا زند تیغی که نبود جز صواب پس چرا در چاه نندازم سلاح همان، ابیات ۶۵۹-۶۵۸	عقل باید نوزده چون آفتاب چون ندارم عقل تابان و صلاح
مشرق او غیر جان و عقل نیست همان، دفتر دوم، بیت ۴۳	آفتاب معرفت را نقل نیست
دزه دزه عیب دانی می‌کند کلیات شمس تبریزی، ص ۳۳۴	در شعاع آفتاب معرفت
ز آفتاب حقایق بیان حجاب کند همان، ص ۳۷۱	بیان حکمت اگر چه شگرف مشغله‌ای است
خارا عقیق و لعل شد و خاک با نواست همان، ص ۱۳۰۲	از جام آفتاب حقایق به هر زمار
گر برگ عیش می‌طلبی ترک خواب کن دیوان حافظ، ص ۲۷۳	خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد
گو بر فروز مشغله صبحگاه ازو همان، ص ۲۸۶	ساقی چراغ می به ره آفتاب دار
گر برگ عیش می‌طلبی ترک خواب کن همان، ص ۲۷۳	خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد
.....	
ز باغ عارض ساقی هزار اله برآید همان، ص ۱۵۸	۱- حافظ: چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
تا تو ز مشرق دل چون ماه سر برآری کلیات شمس تبریزی، ص ۱۰۹۱	۲- مولوی: زان روز و شب دریدم در عاشقی گریبان
آنکه جان می‌جست او را در خلا و در ملا همان، ص ۱۰۲	۳- مولوی: عاقبت از مشرق جان تیغ زد چون آفتاب

کرمانشاهان آمده؛ مرحوم دولتشاه کمال احترام از آنها به عمل آورد...^۱.

این در حالی است که صاحب حدیقه الشعراء از دو تن به نام «بسمل شیرازی» سخن به میان آورده است که اولی همین ملا محمد حسن بسمل کرمانشاهی است و دومی، علی اکبر بن علی شیرازی (۱۲۶۳-۱۱۸۷ ه. ق.)، معروف به نواب (بسمل شیرازی) است که صاحب کتاب‌های: بحر اللئالی فی شرح حالات امام جعفر صادق علیه السلام^۲ و «تذکره دلگشا»^۳ و «شرح سی فصل»^۴ است و مرحوم دیوان بیگی درباره او می‌گوید: «از فحول علمای اعلام و ربه فضیله عظام، اسم شریفش علی اکبر، به طواف بیت الله الحرام مشرف شده و در سلسله مدرّسین شیراز است. عمش، آقا بزرگ، مدرّس مدرسه حکیم و پدرش آقا علی، نقیب و خودش ملقب به نواب است.

در خدمت خاقان مرحوم و فرمان‌فرمای مبرور، نهایت عزّت و احترام داشته در مراتب علمی هم، اغلب طلبه شیراز از مدرّس ایشان استفادّه می‌کرده‌اند و هنوز بدان مفتخرند که از تلامیذ نواب‌اند.

در فنون علم، بهره کامل داشته و بیشتر، همت به تألیف و تدریس می‌گماشته.

از مشاهیر تألیفاتش «نورالدرايه» و «شرح سی فصل خواجه نصیر» است و «حاشیه

۱- ر.ک: حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲- این کتاب در چند نوبت به چاپ رسیده که از آن جمله است:

۱- بحر اللئالی فی شرح حالات امام جعفر صادق علیه السلام، علی اکبر نواب شیرازی، چاپ سنگی، کاتب بدیع فاضل زاده، شیراز، انتشارات کتابفروشی جهان‌نما، ۱۲۶۳ ه. ق. ۱۳۱۸ ه. ش.

۲- بحر اللئالی، به سعی و اهتمام مجدالدین محلاتی، تهران، آیین مهر، چاپخانه سعادت، بی تا.

۳- ر.ک: تذکره دلگشا، علی اکبر نواب شیرازی (بسمل)، تصحیح منصور رستگار فسائی، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۱ ه. ش.

۴- این کتاب که شرحی است بر رساله سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی، ظاهراً هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملّی، ج ۳، ص ۴۸۸، شماره بازبایی: ۵-۱۳۶۸۱ و ۵-۱۴۵۰۶ و شماره کتابشناسی ملّی: ۳۶۸۱ ف. و ۴۵۰۶ ف.

بر مدارک» و «حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی» و «تذکره دلگشا» مشتمل بر نظم و نثر و آنها را فقیر - سوای دلگشا - ندیده‌ام و «بحر الثالی» که بنیان چهارده مجلد گذاشته، هر جلدی مشتمل بر حال یکی از معصومین - سلام الله علیهم - و تا حال حضرت رضا - سلام الله علیه - را تمام کرده، باقی را موفق به اتمام نشده است و پاره‌ای از آن مجلدات را فقیر دیده‌ام. بسیار خوب و مشروح مرقوم داشته‌اند و آن جلدی که حالات جناب سید الشهداء علیه السلام را نوشته، مسمی به «سفینه النجات» است.

اما در مراتب شاعری، اگر چه شاعری را دون مقامات ایشان می‌پندارند، اما خودشان چنین نمی‌گفته‌اند، بلکه به گفتن شعر خوب مباهات می‌کرده و آن را یکی از فنون علوم می‌پنداشته‌اند.

شعر بسیار هم دارند، هم در مصنفات و مؤلفات خود، هم در دیوان و عاجلاً چون فقیر دسترسی ندارد، به قدری از آنچه در «مجمع الفصحا» و «سفینه النجات» و جاهای دیگر دیده اکتفا می‌نماید.

رحلت ایشان در سال هزار و دویست و شصت و سه (۱۲۶۳ ه. ق.) و مدفنشان حسب الوصیة در بقعه امیر سید محمد علی علیه السلام، در پایین پای مبارک است.^۱

ملاحظه می‌شود که صاحب حدیقه الشعراء، نتوانسته است، شخصاً این دو فرد را معرفی و از یکدیگر تفکیک کند. اما یقیناً بسمل شیرازی اول که ایشان معرفی کرده است، همین ملا محمد حسن بسمل کرمانشاهی است.

آقای فرشید یوسفی نیز در معرفی بسمل کرمانشاهی آورده است:

«یکی از شاعران نغز گفتار این دیار، حاج ملا حسین بسمل، فرزند حاج ملا سمیع می‌باشد که در قرن سیزدهم می‌زیسته است. او به مصداق «نسب از دو سر دارد این نیک

بی» از طرف پدر به شاعر و عارف بزرگ ملا محسن فیض کاشانی و از طرف مادر به محقق کرکی می‌رسد...^۱.

ملاحظه می‌شود که اگر به حساب غلط چاپی نگذاریم، جناب آقای یوسفی نیز نام شاعر را درست ننوشته‌اند! زیرا ملا حسین نام جدّ بسمل کرمانشاهی است، نه نام خود او!

استاد سید احمد حسینی، در معرفی شاعر این منظومه، ذیل «دیوان بسمل کرمانشاهی» آورده است: «از میرزا حسن بن سمیع بن حسین مدرس کرمانشاهی، بسمل (ق ۱۳) ... می‌باشد»^۲ که تقریباً نام شاعر را دقیق‌تر از دیگران نگاشته‌اند.

استاد عبدالحسین حائری، ذیل «دیوان اطعمه» آورده‌اند: «از حاج ملا حسن، فرزند محمد محسن بن ملا سمیعا مدرّس (م ۱۲۳۱) معروف به آخوند ملا حسن بسمل. این دیوان (که به خط خود بسمل است) دارای این چند بخش است ...»^۳.

ملاحظه می‌شود که استاد حائری نیز در معرفی نام شاعر دقت نفرموده‌اند. زیرا نام پدر شاعر را محمد محسن آورده‌اند در حالی که نام وی محمد سمیع (سمیعا) بوده است! و این اشتباه از آنجا ناشی شده است که شجره محمد محسن، برادر بسمل را که بسمل تحریر کرده، شجره خود بسمل قلمداد کرده‌اند! همچنین تاریخ وفات ایشان را اولاً بعد از اسم ملا سمیعا مدرّس و ثانیاً اشتباه ذکر کرده‌اند! در ضمن ذکر این شجره این شاعر گرانمایه نیز به میان نیاورده‌اند.

۱- ر.ک: باغ هزار گل، فرشید یوسفی، ص ۱۱۸.

۲- ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳- ر.ک: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری، ج ۱۰، بخش دوم، صص ۸۰۶-۸۰۴.

اینها همه در حالی است که مصنف دیوان در معرفی نام خود می‌گوید:

«مبتلای درد مفاصل، آماجگاه تیر بلا و محن، املح المتکلمین، آخوند ملا محمدحسن»^۱.

چو آخوند ملا محمدحسن که هرشب پلوه‌ای خوش‌طعم خورد^۲
و در پایان مطالبی که در شناسایی اجداد خود آورده است، می‌نویسد: «حرّره العبد، محمدحسن بسمل»^۳. پس اسم او محمدحسن بوده است که خود گاهی با حذف اوّل آن، خود را حسن می‌نامیده است^۴.

بسمل شجره‌نامه‌ای را که ظاهر برادرش، محمدمحسن، در معرفی آباء و اجداد خود نوشته است، در دیوان خود تحریر کرده است و احتمالاً همان شجره‌نامه، محل اشتباه استاد حائری شده است! در آن شجره‌نامه، محمدمحسن می‌گوید: «اعلام می‌شود که والد ماجد اقل خلیقه، بلا شیء فی الحقیقه، محمدمحسن، ملا سمیع‌ای مدرّس است که در بروجرد و کرمانشاهان و شیراز به تقدّس و امانت موصوف و به تدریس علوم دینی و امامت مشهور و معروف و همچنین والدش ملا حسین مدرّس، صاحب صفای باطن و جامع معقول و منقول در بروجرد به تدریس علوم دینی و امامت مشغول بوده. والدش ملا محسن^۵، صاحب تألیف و تصنیف و در علوم رسمیه، سیما در

۱- ر.ک: همین کتاب، ص ۱۴۳.

۲- ر.ک: همین کتاب، ص ۱۱۹.

۳- ر.ک: معراج خیال، شرح دیوان بسمل کرمانشاهی، دکتر محمدابراهیم مالیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۱۶.

۴- بسمل:

الغرض ما هر دو تن دادیم پنجاه اشرفی
اسم من باشد حسن. اسم برادر محسن است
ر.ک: همان، ص ۱۳۵.

۵- مراد ملا محسن فیض کاشانی است. البته مولی محمدحسین فرزندان علامه علم الهدی،

علم کلام و عقلیات، مستحق منقبت و توصیف بوده.

اما والده حقیر، بنت ملا شریف در کرمانشاهان، صاحب سبّلات شرعیه، والدش حاجی ملا درویش، والدش حاجی الله داد، صاحب عقار و بانی مستقلات، والدش حاجی علی عرب. گفته می شود که از طبقه شیخ علی [بن] عبدالعالی^۱ - رحمهم الله وایانا بمحمد و آله الطاهرين - [بوده اند]^۲.

فرزند ملا محسن فیض ناشانی است که معلوم نیست که چرا برادر بسمل کرمانشاهی در ذکر شجره خود، نام وی را نیاورده است؟!

۱- نورالدین، علی بن عبد العالم، المحقق الکرکی، از علمای بزرگ جهان اسلام است که از جمله آثار او می توان «الخراجات» و «جامع المقاصد» و «رسائل الکرکی» را نام برد. وی در زمان شاه طهماسب و در سال ۹۴۰ هجری قمری، دار فانی را وداع کرده است که ماده تاریخ آن را «مقتدای شیعه» نوشته اند. مقتدای شیعه: [م = ۴۰ + ق = ۱۰۰ = ت = ۴۰۰ + د = ۴ + ی = ۱ + ش = ۱۰ = ۳۰۰ + ی = ۱۰ + ع = ۷۰ + ه = ۵ = ۹۴۰].

جهت اطلاع بیشتر در مورد زندگانی او، ر.ک: الخراجات، المحقق الکرکی، صص ۱۵-۲؛ جامع المقاصد، المحقق الکرکی، ج ۱، صص ۲۳-۴۳؛ رسائل الکرکی، المحقق الکرکی، ج ۱، صص ۲۷-۳۷؛ نقد الرجال، التفرشی، ج ۳، ص ۲۷۶؛ جامع الرواة، محمد علی الأردبیلی، ج ۱، ص ۵۸۹؛ أمل الآمل، الحر العاملي، ج ۱، صص ۱۲۳-۲۱؛ تعلیقه علی منهج المقال، الوحید البهبهانی، ص ۲۵۵؛ طرائف المقال، السید علی البروجردی، ج ۱، ص ۸۷؛ معجم رجال الحديث، السید الخوئی، ج ۱۳، صص ۷۷-۷۸؛ المفید من معجم رجال الحديث، محمد الجواهری، ص ۴۰۱؛ ربع قرن مع العلامة الأمینی، الحاج حسین الشاکری، صص ۱۸۹-۱۸۷؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبد الله بن عیسی بیگ افندی، صص ۴۴۸-۴۴۲.

۲- بسمل در تاریخ وفات مادر خویش گفته است:

تاریخ فوت والده

به تاریخش رقم زد کلک بسمل بهشت جاودانش باد منزل

«بهشت جاودانش باد منزل» معادل سال ۱۲۰۶ است: (ب = ۲ + ه = ۵ + ش = ۳۰۰ = ت =

۴۰۰ + ج = ۱ + و = ۶ + د = ۴ + ی = ۱ + ن = ۵۰ + ش = ۳۰۰ + ب = ۲ + د = ۱ + ع = ۴ =

پدر مدرّس و جدّم مدرّسش لقب است به هیچ یک نکنم فخر هیچ‌گه زنه‌ار
هزار شکر که امروز در فنون هنر وحید عهدم و دریوزه‌ام نبوده شعار
نکرده‌ام نسب خویش را گل کشکول نرفته‌ام سوی بغداد و هند و روم و تار^۱
در روز چهارشنبه هفدهم شهر رجب ۱۲۴۵ قلمی گردید.

حرّره العبد محمدحسن بسمل.^۲

ملاً سمیع (سمیعا) و پدرش، محمدحسین، دارای لقب مدرّس بوده‌اند. شاعری با
تخلّص منعم، در تاریخ وفات ملا سمیعا گوید:

اینکه یکتا پیرهن اسود در خاک مفاک هیچ دانستیش نام و هیچ پرسیش از نشان
قدوّه ارباب دانش. پیشرای اهل دین شمع فانوس هدایت، مشعل افروز بیان
رونق شرع پیمبر، زیب محراب دعا عابد شب زنده‌دار و واعظ شیرین‌زبان
کلک «منعم» بهر تاریخ وفاتش زد رقم این دو مصرع را که ثانی باشدش مقصود از آن
رفت چون ملا سمیعی مدرّس از جهان باز شد ملا سمیعی مدرّس در جهان^۳
نوع دیگر

در هزار و یکصد و هشتاد و هشت از جهان ملاً سمیعا درگذشت
صبح جمعه دویسم ماه صیام در گلستان چنان آمد بگشت^۴

✎ $m + n + 40 = 50 + z + 7 + l = 30$ ۱۲۰۶. ر.ک: معراج خیال، شرح دیوان بسمل
کرمانشاهی، دکتر محمدابراهیم المیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۱۹.

۱- معلوم نیست این شعرا از محمدمحسن، برادر بسمل است یا خود بسمل. ر.ک: معراج خیال،
شرح دیوان بسمل کرمانشاهی، دکتر محمدابراهیم المیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۱۶.

۲- ر.ک: همان، صص ۳۱۵-۳۱۶. ۳- ر.ک: همان، ص ۳۱۵.

۴- ر.ک: همان، ص ۳۱۶.

تاریخ تولد بسمل کرمانشاهی

در مورد تاریخ تولد و وفات شاعر نیز همه تذکره‌نویسان و نسخه‌شناسان به بیراهه رفته و به اشتباه افتاده‌اند.

اولاً تاریخ تولد شاعر را هیچکدام از تذکره‌نویسان و نسخه‌شناسان ذکر نکرده‌اند، در حالی که در متن دیوان اطعمه می‌خوانیم: «میلادش در خاک پاک شیراز، روز جمعه، عشر اول شهر شوال المکرم سنه هزار و صد و هشتاد و پنج، از وادی عدم به عرصه وجود قدم نهاد»^۱.

پس ملا محمدحسن بسمل کرمانشاهی در جمعه روزی از دهه اول شوال المکرم ۱۱۸۵ هجری قمری، معادل با یکشنبه روزی از نیمه دوم دیماه ۱۱۵۰ هجری شمسی و دهه اول ژانویه ۱۷۷۲ میلادی به دنیا آمده است.

خانواده بسمل کرمانشاهی:

با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که علی‌رغم تشبث آراء و بیراهه رفتن تذکره‌نویسان و نسخه‌شناسان، نام و شجره سراینده دیوان حاضر، با توجه به آنچه که مصنف دیوان در معرفی خود بیان داشته‌اند، عبارت است از:

املح المتکلمین، حجة الاسلام (شیخ) (آخوند) ملا محمدحسن بن ملا [محمد سمیع] (سمیعی) مدرّس ابن ملا [محمد] حسین مدرّس ابن [علم الهدی] بن محمد محسن [فیض کاشانی].

همچنین بر اساس نوشته محمد محسن، برادر شاعر، مادر ایشان نیز دختر ملا شریف کرمانشاهانی، فرزند حاجی ملا درویش، فرزند حاجی الله‌داد، فرزند حاجی

علی عرب از طبقه محقق کرکی، علی بن عبدالعالی بوده است. و لذا به قول مشهور «نسب از دو سر دارد این نیک پی» از طرف پدر به ملا محسن فیض کاشانی و از طرف مادر به محقق کرکی می‌رسد.

در این مقال به اختصار به معرفی اعضای خانوادهٔ بسمل کرمانشاهی می‌پردازیم:

الف) مولی محمد محسن معلّم (قاری) کرمانشاهی، برادر بسمل کرمانشاهی و فرزند مولی محمد سمیع القاری مدرّس و او فرزند مولی محمد حسین مدرّس و او فرزند علامه، محمد علم الهدی (متوفی ۱۱۲۳ ه. ق.) فرزند ملا محسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۰ ه. ق.) است.^۱ وی از شاگردان محمد علی کرمانشاهی و سید حسین قزوینی و علامه امیر سید علی، صاحب «الریاض» بوده و در سال ۱۲۲۲ هجری قمری، دار فانی را وداع گفته است.^۲

دیوان‌بینگی دربارهٔ او نوشته است: «حاجی ملا محسن که برادر اکبر بود، به کمال علم و زهد و تقوی و پرهیز آراسته شد... و با اینکه به مراعات و محاکمات و تدریس اشتغال داشت و در تمام مشکلات و مسائل، مردم رجوع به ایشان می‌کردند، مدار معاش خود را به خیاطی می‌گذرانید و ابداً به غذای حکام و مباشران لب نمی‌آلود. بلکه از نشستن بر فرش و مجلس آنها احتراز داشت.»^۳

محمد محسن مدرّس یکی از علمای برجستهٔ جهان اسلام و بزرگان علم و ادب و صاحب تألیفات فراوانی بوده است که از آن جمله‌اند:

۱- «الحواشی (تعليقة) علی القوانين المحکمة» در فقه در جمادی الثانی سال

۱- ر.ک: معجم المؤلفین، عمر کحالة، ج ۹، ص ۲۵۸.

۲- ر.ک: شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور (فارسی)، الحاج میرزا آبی الفضل الطهرانی، ج ۲، ص ۴۲۱.

۳- ر.ک: حدیقة الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵.

- ۲- «الحواشي على السيوطي»^۲.
- ۳- «الدرر البهية في النظائر الفقهية»^۳.
- ۴- «السؤال والجواب» در مسائل متفرقه و از آن جمله، مسائل حج^۴.
- ۵- «الصلوات المنظوم»^۵.
- ۶- «المناهج الفقهية (في الفقه)» فقه، به عربی^۶.
- ۷- «أرجوزة الفقهية (منظومة في الفقه)»^۷.
- ۸- «أرجوزة (منظومة) في أصول الفقه»^۸.
- ۹- «أصول و فروع الدين» کتابی است در مسائل کلام و فقه به زبان فارسی^۹.
- ۱۰- «تجوید القرآن (الرسالة التجويد)» در یک مقدمه و هشت فصل^{۱۰}.
- ۱۱- «ترجمة الاعتقادات السجسية» در عقاید، به فارسی^{۱۱}.

-
- ۱- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ج ۹، ص ۳۷؛ ج ۶۱، ص ۱۳۱؛ الذريعة، آقا بزرگ الطهراني، ج ۲۶، ص ۲۸۵.
 - ۲- ر.ک: همان، ج ۲۶، ص ۲۸۳، ص ۲۸۵.
 - ۳- ر.ک: همان، ج ۷، ص ۲۱۳؛ ج ۸، ص ۱۲۱، ص ۱۳۴؛ ج ۹، ق ۳، ص ۹۷۸، ص ۱۰۷۲؛ مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ج ۹، ص ۳۱، ص ۵۰، صص ۵۷-۵۸؛ ج ۶۱، ص ۱۲۱؛ ج ۶۲، ص ۱۴۹، صص ۱۶۳-۱۶۴.
 - ۴- ر.ک: الذريعة، آقا بزرگ الطهراني، ج ۱۲، ص ۲۴۸.
 - ۵- ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۸۷.
 - ۶- مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ج ۹، ص ۶۶؛ ج ۶۲، ص ۱۷۶.
 - ۷- ر.ک: الذريعة، آقا بزرگ الطهراني، ج ۱، ص ۴۶۰؛ ج ۲۳، ص ۸۴، ص ۱۲۸.
 - ۸- ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۵۹؛ ج ۸، ص ۱۲۱؛ ج ۹، ق ۳، ص ۱۰۷۲؛ ج ۲۳، ص ۸۴.
 - ۹- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ج ۶۲، ص ۱۶۹.
 - ۱۰- ر.ک: الذريعة، آقا بزرگ الطهراني، ج ۳، ص ۳۷۳؛ ج ۸، ص ۱۲۱؛ مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ج ۹، ص ۴۱؛ ج ۶۲، ص ۱۳۶.
 - ۱۱- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ج ۹، ص ۵۶؛ ج ۶۲، ص ۱۵۹.

- ۱۲- «تعلیقه (حواشی) بر مفاتیح الشرائع ملامحسن فیض کاشانی»^۱.
- ۱۳- «تعلیقه بر شرح المختصر النافع (الصغیر)»^۲.
- ۱۴- «حاشیه البهجة المرضیة فی شرح الألفية» در زمینه نحوه عربی^۳.
- ۱۵- «حاشیه (الحواشی) علی الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»^۴.
- ۱۶- «حاشیه (الحواشی) علی المعالم الاصول»^۵.
- ۱۷- «حاشیه وافیه الاصول»^۶.
- ۱۸- «خلاصة الاصول»^۷.
- ۱۹- «درر المسامع» در علم نحو^۸.
- ۲۰- «دیوان محسن بن سمیع محسن کرمانشاهی (معلم قاری)»^۹.
- ۲۱- «رسالة فی تقلید المیت»^{۱۰}.

-
- ۱- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۲۶، ص ۲۸۵؛ مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۶۵؛ ج ۶۲، ص ۱۷۵.
 - ۲- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۲۵؛ ج ۶۱، ص ۱۲۷.
 - ۳- ر.ک: همان، ج ۹، صص ۵۷-۵۸؛ ج ۶۲، ص ۱۶۴.
 - ۴- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۲۶، ص ۲۸۵؛ مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۵۳؛ ص ۵۸؛ ج ۶۲، ص ۱۴۷، ص ۱۶۳.
 - ۵- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۲۶، ص ۲۸۵؛ مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۵۳، صص ۵۷-۵۸؛ ج ۶۲، ص ۱۴۷، ص ۱۶۴.
 - ۶- الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۲۶، ص ۲۸۵؛ مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۵۳؛ ص ۵۸؛ ج ۶۲، ص ۱۶۴.
 - ۷- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۷، ص ۲۱۳؛ ج ۸، ص ۱۲۱؛ ج ۹، ق ۳، ص ۱۰۷۲؛ فهرست نسخه های خطی، کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۳، ص ۷۹ (بدون نام نویسنده).
 - ۸- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۸، ص ۱۳۴.
 - ۹- ر.ک: همان، ج ۹، ق ۳، ص ۹۷۵، ص ۹۷۸، ص ۱۰۷۲.
 - ۱۰- ر.ک: همان، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

- ۲۲- «شرح البصرة (تبصرة المتعلمين)»^۱.
- ۲۳- «شرح الدرر البهية»^۲.
- ۲۴- «قرة العين لرائر الحرمين» در مسائل حج^۳.
- ۲۵- «کیفیت زیارت عاشورا»^۴.
- ۲۶- «مناسک الحج» که در ۱۱ رجب ۱۲۲۱ هجری قمری از تألیف آن فراغت یافته است»^۵.
- فرزندان ایشان نیز از فرهیختگان و برجستگان و سرآمده عهد خویش بوده‌اند که دو تن از آنها عبارتند از مولی محمد مهدی و مولی محمد حسین.
- دیوان بیگی شیرازی گوید: «بعد از آن که در سال هزار و دویست و چهل و هفت (۱۲۴۷ ه. ق.) به مرض طاعون درگذشت، آقا محمد مهدی، فرزندش، به جای او نشست. او نیز مرد بزرگی بوده، حالا آقا عبدالله پسر آقا محمد تقی پسر آقا محمد مهدی ریاست شرعیه دارد و مرد زاهد با علم و فضل است»^۶.
- مولی محمد مهدی بن ملا محمد محسن، صاحب اجازه و از شاگردان محمد تقی اصفهانی صاحب «الحاشیة علی المعالم» بوده است و حدود ۱۲۸۰ هجری قمری وفات
-
- ۱- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۱۳، ص ۱۳۶؛ مجلة تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۳۳؛ ج ۶۱، ص ۱۲۵.
- ۲- ر.ک: مجلة تراثنا، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۹، ص ۵۲، صص ۵۷-۵۸؛ ج ۶۲، ص ۱۴۰، صص ۱۶۳-۱۶۴.
- ۳- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۱۷، ص ۷۳؛ أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين، ج ۱۰، ص ۴۷.
- ۴- ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی، کتابخانه آية الله گلبایگانی، ج ۳، ص ۱۹۷؛ شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور (فارسی)، الحاج میرزا أبي الفضل الطهرانی، ج ۲، ص ۴۲۱.
- ۵- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۸، ص ۱۲۱؛ ج ۲۲، ص ۲۷۰.
- ۶- ر.ک: حدیقة الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵.

یافته^۱ و دارای تألیفاتی است، چون:

- ۱- «الفرائد (المنظومة فی الکلام) در مباحث کلامی»^۲.
 - ۲- «الکشکول» در مسائل متفرقه^۳.
 - ۳- «المعراج»^۴.
 - ۴- «تکلیف الکفار بالفروع» که ظاهراً همان «سراج المستبصرین» است^۵.
 - ۵- «سراج المستبصرین» که آن را به دستور پدر خود و در کیفیت عبادات و معاملات کفار و مخالفین اسلام تألیف نموده و در ۱۲۳۰ هجری قمری به اتمام رسانده است^۶.
 - ۶- «شرح الثبصرة» که کامل نیست و تا آخر کتاب طهارت را شرح کرده است^۷.
 - ۷- «شرح الشرائع» در دو مجلد که تفریط و اجازة محمدتقی اصفهانی نیز در آن به خط ایشان در آن نوشته شده است^۸.
 - ۸- «مجامع الامال در جواب سوال و حل اشکال» به فارسی در فضل علم و ملزومات علما و متعلمین و اخلاق مرضیه و آداب دینی^۹.
-
- ۱- ر.ک: الذریعة، آقابزرگ الطهرانی، ج ۴، ص ۴۰۷؛ ج ۱۳، ص ۳۱؛ ج ۱۹، ص ۳۷۴؛ أعيان الشیعة، السید محسن الأمين، ج ۱۰، ص ۷۷.
 - ۲- ر.ک: الذریعة، آقابزرگ الطهرانی، ج ۱۶، ص ۱۳۱؛ ج ۲۳، ص ۱۳۲.
 - ۳- ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۸۰.
 - ۴- ر.ک: همان، ج ۲۶، ص ۳۱۲.
 - ۵- ر.ک: همان، ج ۴، ص ۴۰۷.
 - ۶- ر.ک: مجلة تراثنا، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ج ۹، ص ۳۲؛ ج ۶۱، ص ۱۳۴.
 - ۷- ر.ک: الذریعة، آقابزرگ الطهرانی، ج ۱۳، ص ۱۳۷.
 - ۸- ر.ک: همان، ج ۱۳، ص ۳۳۱؛ ج ۲۶، ص ۳۱۳.
 - ۹- ر.ک: همان، ج ۱۹، ص ۳۷۴؛ مجلة تراثنا، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ج ۹، ص ۳۹، ص ۶۳؛ ج ۶۲، ص ۱۶۹.

۹- «منظومة في اثبات الواجب»^۱، منظومه‌ای بالغ بر ۱۰۰۰ بیت در اثبات خدا

بر مشرب علم کلام و به صورت مناجات. ر.ک: «منظومة في الكلام».

مولی محمدحسین واعظ کرمانشاهی، فرزند ملا محمدمحسن بن محمد سمیع،

نیز صاحب کتابهای مستطابی است چون:

۱- «بهجة الناظرین»^۲ در اخلاق و مواعظ که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری از

تألیف آن فراغت یافته است.

۲- «موعظة المتین»^۳ ترجمه مواعظ روضة الوافی^۴ به فارسی در ۱۲ باب و

یک خاتمه در مواعظ مأثوره از انتم معصومین علیهم السلام که در ۱۴ ربیع الثانی ۱۲۵۰ ه. ق.

تألیف آن را به اتمام رسانده است.

۳- «مصبح المتجدین»^۵ کتابی در فقه به زبان فارسی در آداب نماز و اسرار آن،

مشمول بر یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه. این کتاب به اتمام نرسیده است. یک

نسخه از آن در کتابخانه فیض مهدوی موجود است.^۶

ب) ملا محمدسمیع مدرّس یا ملا سمیعای مدرّس پدر ملا محمدحسن بسمل و

ملا محمدمحسن است که «در بروجرد و کرمانشاهان و شیراز به تقدّس و امانت

۱- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ۹، ص ۶۶؛ ج ۶۲، ص ۱۷۷.

۲- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۱۲، ص ۲۴۸؛ ج ۲۶، ص ۱۱۲، ص ۲۰۳؛ معجم المؤلفین، عمر کحالة، ج ۹، ص ۲۵۸.

۳- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ۹، ص ۶۷؛ ج ۶۲، ص ۱۷۸؛ دلیل المخطوطات، مكتبة الفيض المهدوی، السيد احمد الحسینی، شماره ۱۳۰.

۴- ر.ک: الذریعة، آقا بزرگ الطهرانی، ج ۲۶، ص ۲۰۴.

۵- ر.ک: مجله تراثنا، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ۹، ص ۶۵۶۶؛ ج ۶۲، ص ۱۷۳.

۶- ر.ک: دلیل المخطوطات، مكتبة الفيض المهدوی، السيد احمد الحسینی، شماره ۱۱۷.

موصوف و به تدریس علوم دینیه و امامت مشهور و معروف^۱ بوده است و یکی از ائمه جمعه و جماعات مشهور عهد خویش بوده است. دیوان‌بینگی می‌نویسد: «حاجی ملا سمیعا ... در شیراز امامت جمعه داشته»^۲.

ملا محمد اسمیع (سمیعا) از علمای زمان خود و آشنا به مبانی و متون دینی و حوزوی بوده و کتاب «مفاتیح الشرائع ملا محسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ه. ق.) را در دو جلد تدوین کرده بوده که کتابت جلد اول آن را در رجب المرجب ۱۲۱۶ ه. ق. به اتمام رسانده است^۳. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه فیض مهدوی موجود است^۴.

همانگونه که پیشتر مذکور افتاد، ملا محمد اسمیع مدرّس در روز جمعه دوم رمضان ۱۱۸۸ هجری قمری، مطابق با پانزدهم آبان ۱۱۵۳ هجری شمسی و ششم نوامبر ۱۷۷۴ میلادی دار فانی را وداع کرده‌اند^۵.

ج) ملا محمد حسین مدرّس، پدر ملا سمیعا و فرزند علامه علم الهدی، صاحب صفای باطن و جامع معقول و منقول [بوده و] در بروجرد به تدریس علوم دینیه و امامت مشغول بوده است^۶.

د) علامه علم الهدی، پدر محمد حسین و ملا محمد محسن فیض کاشانی، پدر گرامی علم الهدی، بسیار مشهورتر از آن هستند که نیاز به معرفی داشته باشند!

۱- ر. ک: معراج خیال، شرح دیوان بسمل کرمانشاهی، دکتر محمد ابراهیم مالمیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۵۱-۳۵۲.

۲- ر. ک: حدیقه الشعراء، دیوان‌بینگی شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳- ر. ک: مجله تراثا، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ج ۹، ص ۶۵؛ ج ۶۲، ص ۱۷۵.

۴- ر. ک: دلیل المخطوطات، مکتبه فیض المهدوی، السید احمد الحسینی، شماره ۱۲۱.

۵- ر. ک: همین کتاب، صفحه بیست و سه.

۶- ر. ک: معراج خیال، شرح دیوان بسمل کرمانشاهی، دکتر محمد ابراهیم مالمیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۱۵.

فضل، علم و هنر بسمَل کرمانشاهی

صاحب حدیقه الشعرا می نویسد: «... و بسمَل که حاجی ملا حسن نام داشت، هم در علوم، کمال تسلط به هم رسانید و در ادبیت ربطش بیشتر شد ... بسمَل که وکیل الشرع لقب داشته، با کمال فضل و زهد و تقوی و علم و ادب و خط، شعر هم می گفته، لیکن سبک شاعریش خالی از غرابت نیست.

بعد از آن که به طلب اشعارش برآمدم، اوّل شخصی جزوی آورد که از دست نااهل برآمده بود، لیکن مدرس و ضایع شده. اما آنچه مانده بود گواهی می داد که خط شکسته اش خیلی خوب بوده. از آن جزو حاصلی ندیده، خیلی اهتمام کردم تا دیوانی از او به دست آوردم، آن هم اگر چه غلط داشت، لیکن مطلب از او مفهوم می شد.

دیوانی به وضع غریب ترتیب داده قریب پنج هزار بیت که ابتدا مطلبی عنوان می کند به مثنوی که در آن هم اصطلاحات اکراد و الوار^۱ آن حدود را می آورد بر سر مطلبی که رسید، غزل یا تغزلی به مناسبت همان مطلب یا به تتبع طرز خواجه یا تقلید شیخ اطعمه - علیهما الرحمه - می کند، باز می رود بر سر آن مطلب تا تمام شود. بر سر هر حکایتی هم قدری نثر دارد. ملاحظه ترتیب حروف را هم از کتاب یا در همه جا کرده است.

بعد از فراغ از این قسم مثنویات، قدری دیگر اشعار متفرقه، از غزل و رباعی و قطعه و تغزل و کمی مطایبه و ماده های تاریخ که در آن هم مسلط بوده، دارد و چون سرپای آن کتاب را ملاحظه نمایند، مجموعه بدی نیست. الا این که وقتی از مطایبات و مطالب تازه

۱- الوار: جمع عربی لفظ «لر». فرهنگ نظام. در متن اللغة آمده: «لور جنسی از اکراد است.» لغت نامه دهخدا. به نظر می رسد که «لر» در عربی به صورت لور درآمده و برطبق قاعده عربی به «الوار» جمع بسته شده است و فارسی زبانان آن را به صورت عربی بکار برده اند. رک: سبک شناسی، ملک الشعرای بهار، ج ۱، ص ۳۸۳.

او بگذرند، آنچه را مقصودش شعر فقط بوده خالی از ملائی است ...»^۱.

آقای یوسفی آورده است: «او علوم متداول زمان، چون صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و حساب و فقه و اصول را فراگرفت و به فرمان دولتشاه، قاضی شرع دیوان دارالایاله شد و در بین اهالی کرمانشاه به وکیل الشرع ملقب گردید.

بسمل دارای خطی زیبا و ذوقی سرشار بوده، دیوانش از غزل و مثنوی و دیگر انواع شعر مشحون است. مثنوی‌هایی به تقلید و تتبع حکیم سوری و شیخ اطعمه سروده در نوع خود از لطافت به دور نیست»^۲.

اما آنچه که از مجموعه آثار وی، یعنی دیوان اشعار و دیوان اطعمه بر می‌آید، ایشان فردی دانشمند و اهل ذوق را هر برده و در شعر و شاعری طبعی روان و ذوقی سرشار داشته است. ظاهراً مثل بسیاری از علماء، سرودن شعر را دون شخصیت خود می‌داند و حتی از سرودن شعر توبه کرده و بسیاری از اشعار خود را از بین می‌برد. چنانکه خود می‌گوید: «به توبیخ بعضی که او را از سلسله علماء و شاعری را دون مرتبه او می‌دانستند و به مصداق «وَمَا عَلَّمَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ...»^۳ و «مُضْمَرُونَ فِي الشُّعْرِ»^۴ یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»^۴ از گفتن شعر تائب آمده، قریب به چهار هزار بیت اشعار روان خود را به آب روان شست و لغتی در کمال امتیاز بر قرآن نوشت و چون شرف بار به دربار سعادت‌مدار حاصل نمود، از آنجا که بالضروره اشعار فارسی از حروف شکر عاری نیست، پس لاچارم گفتن شعر در حقیقت شکرگزاری خواهد بود؛ تجدید عهد گفتن شعر را از لوازم حسنه دانسته»^۵.

۱- ر.ک: حدیقة الشعراء، دیوان‌بینگی شیرازی، ج ۱، صص ۲۳۶-۲۳۵.

۲- ر.ک: باغ هزار گل، فرشید یوسفی، ص ۱۱۸.

۳- «و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خود وی نیست...» س ۳۶، یاسین، یه ۶۹.

۴- «و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند» س ۲۶، الشعراء، یه ۲۲۴.

۵- ر.ک: همین کتاب، صص ۲۳-۲۲.

در هر حال ملا محمد حسن بسمل کرمانشاهی یکی از شاعران توانای این سرزمین و از معاصران صبا کاشانی (۱۲۳۸-۱۱۷۹ ه. ق.)؛ نشاط اصفهانی (۱۲۴۴-۱۱۷۵ ه. ق.)؛ وصال شیرازی (۱۲۶۲-۱۱۹۲ ه. ق.)؛ قائم مقام فراهانی (۱۲۵۱-۱۱۹۳ ه. ق.)؛ فاضل خان گروسی (۱۲۵۳-۱۱۹۸ ه. ق.)؛ و بسیاری دیگر از شعرای عهد قاجار بوده است که علی رغم توان علمی و منصب اجتماعی، آن گونه که باید، مورد توجه تذکره‌نویسان عصری و بعد از خود قرار نگرفته است! که بعضی از دلایل عدم توجه به شعرای توانمند استان کرمانشاه، در مقدمه شرح دیوان وحدت کرمانشاهی بیان شده است.^۱

تاریخ وفات بسمل کرمانشاهی:

در مورد تاریخ وفات ملا محمد حسن بسمل نیز در تذکره‌ها و فهرست نسخ، با چند تاریخ مواجه هستیم.

استاد حائری و استاد حسینی تاریخ وفات ایشان را ۱۲۳۱ ثبت نموده‌اند که این برگرفته از تاریخی است که خود شاعر در مورد وفات خود سروده است.

که قطعاً پیش بینی ایشان به وقوع نپیوسته است و ایشان از بیماری شدیدی که داشته، جان سالم بدر می‌برد و چند سال دیگر نیز به زندگی علمی و ادبی خود ادامه می‌دهد.

«در ماه رمضان سنه یکهزار و دویست و سی و یک، عالم فانی را بدرود و در مطبخ بهشت جاودانی، رحل اقامت گشود و تاریخی در روز وفات خود گفته، ثبت خواهد شد»^{۲، ۳}.

۱- ر.ک: میکده وحدت (شرح دیوان وحدت کرمانشاهی)، دکتر محمد ابراهیم مالیر، مقدمه.

۲- مراد شعر ذیل است که بسمل در تاریخ وفات خود گفته است:

غرض بهر تاریخ فوتش قلم رقم زد که بسمل چلو خورد و مرد

مرحوم دیوان بیگی سال وفات بسمل را قریب به وفات برادرش ملا محسن دانسته‌اند و آورده‌اند: «رحلت مشار الیه هم در همان سال ۱۲۴۷ به قلیل زمان بعد از برادرش بود رحمته الله».^۱

آقای یوسفی ضمن نقل سخن صاحب حدیقه الشعراء می‌نویسد: «در یادداشتی که یکی از اخلاف حاج ملا حسن بسمل نگارنده مرقوم داشته‌اند سال هزار و دویست و پنجاه و پنج (۱۲۵۵ ه. ق.) را سال وفات بسمل دانسته‌اند».^۲

آنچه مسلم است این است که ملا محمد حسن بسمل در تاریخ ۱۲۴۵ زنده بوده است و این از تاریخی که ذیل سرگذشت اجداد خود نگاشته است، کاملاً معلوم است: «در روز چهارشنبه هفدهم شهر رجب ۱۲۴۵ قلمی گردید».^۳

لذا به نظر می‌رسد قول جناب آقای یوسفی به صحت نزدیک‌تر باشد، چرا که از بعضی از اشعار بر می‌آید که بسمل سال‌ها بعد از ۱۲۴۷ نیز زنده بوده است؛ مثلاً: در تاریخ وفات زینب نامی گوید:

ز شخصی که تاریخ او را شمرد
که بر مردن بسمل افسوس خورد

شنیدم پس از هشت سال تمام
محمد رضاخان قائم مقام

همین کتاب، ص ۱۲۱

«بسمل چلو خورد و مرد» معادل سال ۱۲۳۱ است: (ب) = ۲ + س = ۶۰ + م = ۴۰ + ل = ۳۰ + ج
= ۳ + ل = ۳۰ + و = ۶ + خ = ۶۰۰ + و = ۶ + ر = ۲۰۰ + د = ۴ + و = ۷ + م = ۱۰ + ر = ۲۰۰ +
د = ۴ = ۱۲۳۱.

۳- ر. ک: همین کتاب، ص ۲۴.

۱- ر. ک: حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲- ر. ک: باغ هزار گل، فرشید یوسفی، ص ۱۱۹.

۳- ر. ک: معراج خیال، شرح دیوان بسمل کرمانشاهی، دکتر محمدابراهیم مالمیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۱۶.

نسخه‌شناسی

از دیوان اطعمه ملا محمد حسن بسمل سه نسخه گزارش و شناسایی شده است که عبارتند از:

نسخه (مر)

این نسخه با عنوان دیوان بسمل کرمانشاهی به شماره ۴۹۱ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در شهر مقدس قم نگهداری می‌شود و دارای ۱۲۳ برگ در ابعاد ۹×۱۵ سانتیمتر است و در هر صفحه ۱۵ سطر به خط نستعلیق خوش نگاشته شده است. عناوین آن شنگرفی است و صفحه اول دارای سرلوح و حواشی است، صفحه اول و دوم و چهار صفحه آخر، دارای گل و بونه زرین است. جلد آن نیز دو رو روغنی نفیس می‌باشد.

و در معرفی آن آمده است: «در سیمون سه هزار و پانصد بیت قصاید و غزلیات با تخلص «بسمل» و رباعیات و فردیات و هجویات و تواریخ منظوم از ۱۲۰۶ تا ۱۲۴۴. این دیوان دارای دیباجه منشوری می‌باشد با تمجید از مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا قاجار و بسیار از اشعار آن در مدح و تواریخ درباریان و کارمندان برجسته دولت می‌باشد. آغاز دیباجه^۱:

ای نام تو دیباجه دیوان مطاعم	رنگین بود از نعت ترخوان مطاعم
کاشانه عشق ابدی مطبخ جودت	گسترده در آن سفره الزان مطاعم
ستایش و سپاس بی قیاس ثنا و نیایش نامتناهی اساس...	

آغاز دیوان:

سزاوار حمد آنکه نان آفرید ستایش خدا را که جان آفرید

۱- استاد حسینی اشکوری دقت فرموده‌اند که این قسمت، دیباجه دیوان نیست، بلکه آغاز دیوان اطعمه بسمل است و این نسخه، شامل هر دو دیوان می‌باشد.

کریمی که از خوان پر نعمتش رحیمی که از ابر بی زحمتش

این نسخه را به عنوان نسخه اساس برگزیده‌ایم و از آن با عنوان «مر» یاد کرده‌ایم.

نسخه (مع)

این نسخه با عنوان دیوان اطعمه، به شماره ثبت قدیم ۷۸۲۳۸ و جدید ۶۷۴۲ و شماره دفتر ثبت ۱۲۰۰۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

نسخه‌ای است به خط شکسته نستعلیق با عنوان‌های شنگرف در قطع رقعی ۵/۱۷×۱۱ با کاغذ فرنگی و جلدی از تیماج قرمز روشن. صفحات عموماً ۱۷ سطر دارند. نسخه به خط خود بسمل است. در پایان نسخه ۳۰ برگ سفید است. در ذیل آخرین صفحه نسخه چند کلمه بوده که سیاه کرده‌اند، در ذیل بخش ۲ که عنوان آن (شناسائی اجداد بسمل) است، رقم و تاریخ آن ۱۲۴۵ دیده می‌شود. از این نسخه با عنوان «مع» یاد کرده‌ایم.

در معرفی این نسخه آمده است: «این دیوان (که بخط خود بسمل است) دارای این چند بخش است:

۱- غزلیات و قصائد و قطعات و رباعیات در همه موضوعات مختلف از جمله: مدح ابراهیم پاشا مصری، و صالح پاشا سائی، اسدالله میرزا و شاهزاده دولت میرزا و نیز چند سطری منثور در مدح دولت.

۲- ترجمه حال خود و شناسائی پدر و جدش.

۳- کتاب اطعمه که در مقدمه‌اش با عباراتی پر تصنع در سبب تألیف کتاب گوید: شاهزاده دولتشاه از او خواست تا برخی از «نتایج افکارش که در وصف مطعومات است سیما حضرت بزرگوار پلو موشح است» تدوین کند. وی پس از ذکر سبب تألیف، شرح حالی مختصر از خویش نگاشته که سطور آخر آن را اینک نقل می‌کنیم: «بعضی اوقات در وصف مطعومات مفت، به طریق صحبت و مجلس‌آرایی شعری می‌گفت ... در ماه

رمضان ۱۲۳۱ عالم فانی را بدرود و در مطبخ بهشت جاودانی رحل اقامت گشود.

تاریخی در فوت خود گفته که ثبت خواهد شد.

مثنویات اطعمه بسمل پس از این مقدمه آغاز می شود؛ بدین ترتیب: که نخست یک مثنوی در مدح آفریدگار و یک مثنوی در تعریف پلو که بسیار مفصل است. وی پس از آن مثنویاتی در مدح فتحعلی شاه قاجار، خود، تمامی اکراد، مدح خاقان مغفور و مذمت اهل دنیا سروده است. نسخه ما تا اینجاست و پس از آن اوراق سفید بسیار از دفتر و دولت نانوخته است و چنین پیداست که بسمل می خواسته آنها را نیز بنویسد.

آغاز نسخه:

« کتاب حاجی ملا حسن، المتخلص به بسمل. بسمله.

الا یا ایها الساقی سقاک الله عطشاننا
رحیق القند ناولنی جزاک الله احسانا
سرت گردم، زلال روح پرور گرهمی بخشی
ز قند و آب لیمو ساغری لبریز کن جانا
پلو را گنبد آسا صحنی از چربش مدور کن
که عزم آشیان دارد برو مرغ و فسنجانا

پایان بخش اول:

شهادة والاتبار، طهماسب میرزا قاجار ... پذیرای قبول و پیرایه استحسان پذیرد. و
علینا الاستعانه.

آغاز بخش دوم:

ای ز شهد شکر شکر تو کام جان لذیذ
وز حلاوت های حمدت کام انس و جان لذیذ
باشد انعامت به خاص و عام در هر عام عام
می رسد پیوسته انعامت به این و این آن لذیذ

آغاز بخش سوم:

(شناسایی اجداد بسمل)، «اکنون که به واسطه قصور همت ارباب روزگار و یا به علت قلت فهم ملوک و صاحبان اختیار و اقتدار، کالای علوم و ادب و متاع کمالات و حسب را خریداری نیست و هریک را به طریق مبالغه و اغراق بر نسب خود مباحات و

افتخار است.^۱

آغاز بخش چهارم (کتاب اطعمه):

ای نام تو دیباجه دیوان مطاعم رنگین بود از نعمت تو خوان مطاعم
کاشانه عشق ابدی مطبخ جودت گسترده در آن سفره الوان مطاعم

پایان کتاب:

صاحب این گنبد فیروزه رنگ صاحب صلح است نه مایل به جنگ^۲
نسخه (کم)

این نسخه با عنوان «دیوان بسمل شیرازی» به شماره ۵۱۵۴۰۵ و شماره پیشین ۷۸/ج ۱۳۵۰ در کتابخانه ملی موجود می‌باشد. که نسخه‌ای است به خط نستعلیق در ۹۵ برگ ۱۳ سطری در اندازه سطور ۱۵۰×۹۰ و قطع ۲۰۰×۱۴۰. نوع کاغذ آن فرنگی نخودی. کلیه اوراق از وسط پاره شده و اوراق انتهایی نسخه کاملاً فرسوده و پاره می‌باشند و نسخه فاقد جلد می‌باشد.

نسخه شناس در معرفی نسخه آورده است: «دیوان شعری است شامل قطعات و قصاید و رباعی مشتمل بر ۴۰۰۰ بیت از شاعری با تخلص بسمل که در بعضی جاها نیز خود را «پلو» خوانده است.

آغاز: افتاده:

... قسیم رزق خلائق، امام جنّ و بشر امیر مجمع انصاف و ساقی
انجام: افتاده:

۱- ر.ک: معراج خیال، شرح دیوان بسمل کرمانشاهی، دکتر محمدابراهیم مالمیر، مهین دانی‌چین، ص ۳۱۴. نسخه شناس، این بخش را صحیح نوشته‌اند!

۲- ر.ک: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری، ج ۱۰، بخش دوم، صص ۸۰۴-۸۰۶

بیا ساقی مرا پیمانه‌ای ده از آن آبی که در کوثر نباشد...^۱

از آنجایی که این نسخه بسیار آشفته و ناقص بود، از تطبیق آن صرف نظر کرده و فقط در موارد ضروری به بعضی از اشعار آن رجوع کرده‌ایم. از این نسخه با عنوان «کم» یاد کرده‌ایم.

از ویژگی‌های رسم الخطی نسخه‌های «مر» و «مع» که هر دو به خط ملا محمدحسن بسمل می‌باشند، آن است که:

- غالباً باء زیت و نون نفی به صورت مجزأ، یعنی «به» و «نه» نوشته شده‌اند. مثل: «به بیند» = ببیند، «نه بینم» = نبینم، «نه نوشید» = ننوشید. که در تمام موارد اصلاح گردید.

- کلمات مختوم به «ه» در جمع یا «ها» با یک «ه» نوشته شده‌اند. مثل: «نعرها» = نعره‌ها، «شانها» = شانه‌ها، «مجموعها» = مجموعه‌ها، «خوانچها» = خوانچه‌ها.
- در همه موارد، بر طبق سبک اختصاصی مکتب ادبی کرمانشاه، «چو» و «چه» بجای هم بکار برده شده‌اند.

- در مواردی حروف فارسی (پ، چ، ژ، گ) طبق رسم الخط عربی، به صورت (ب، ج، ز، ک) نوشته شده‌اند.

- غلط‌های نگارشی و املائی فراوانی در هر دو نسخه وجود دارد!

روش تصحیح

۱- ابتدا نسخه اساس «مز» را که جامع و کامل تر بود، دقیقاً استنساخ کرده و نسخه مجلس «مع» را با آن تطبیق داده و موارد اختلاف یادداشت شد و نظر به اینکه هر دو نسخه به خط مؤلف می‌باشند، در مواردی اختلاف هر کدام از نسخه‌ها که از نظر معنی و از جنبه بلاغی صحیح تر می‌نمود، در متن قرار داده شده است.

۲- تعدادی از غزل‌ها و مثنوی‌ها و قطعاتی که مربوط به اصطلاحات اطعمه و اشریه بود از متن دیوان اشعار بسمل کرمانشاهی به دیوان اطعمه منتقل شد تا این دیوان از آن جهت نیز کامل شود و بیشترین اشعار مربوط به اطعمه را شامل گردد.

۳- در تصحیح متن حاضر تا آنجا که ممکن بوده است، اصل جدا نویسی رعایت شده است.

۴- در همه موارد سعی شده «را» که به کلمه قبل چسبیده بود، به صورت مجزاً نوشته شود.

۵- در همه مواردی که حرف «به» به صورت «با» به اسم بعد از خود اضافه شده بود، به صورت جدا نوشته شده است.

۶- حروف فارسی که در نسخه به صورت «ب چ ز ک» آمده بودند به صورت فارسی یعنی «پ چ ژ گ» نوشته شده‌اند.

۷- در همه مواردی که حرف نفی «نه» یا حرف «به» در سر فعل، جدا نوشته شده بود، به صورت چسبیده نوشته شد.

۸- در مواردی که هر دو نسخه کلمه یا حرفی را نداشتند، کلمه یا حرف مورد نیاز اضافه شده و در [] آمده است و لذا کلمات و حروفی که در [] آمده‌اند اضافه از مصححین است.

۹- در تمام مواردی که کلمه به صورت غلط املائی آمده بود، شکل صحیح آن در

متن نوشته شده است و گزارش آن در پاورقی آمده است.

۱۰- در ابیات ترکی با چند تن از دوستان ترک زبان و از آن جمله با جناب آقای بهرام محمودی سلطان‌آباد و سرکار خانم دکتر رقیه کاظم‌زاده مشورت شده است و نهایتاً به متن موجود رسیده‌ایم. اگر اشتباهی باشد دلیل بر عدم تسلط یا ندانستن زبان ترکی از سوی مصححین است.

۱۱- سعی شده است در همه موارد، آیات، احادیث و متون عربی به صورت معرب و مشکول نوشته شوند. البته در بعضی موارد خود مصنف اعراب و شکل گذاشته بود که در موارد بسیاری اشتباه بود و سعی شده است اصلاح گردند.

۱۲- تا آنجا که وقت و حجم کار و ضرورت ایجاب می‌کرده است، سعی شده است بر لغات دشوار و اصطلاحات خاص، توضیحاتی مستند نوشته شود تا خواننده محترم کمتر نیاز به مراجعه به فرهنگ‌های لغوی و اصطلاحی داشته باشد.

۱۳- سعی شده است در هر جایی، اشاره‌ای فرانی و یا روایی بوده است، آیه و روایت مورد نظر با استناد آورده شود.

۱۴- در پایان نیز تلاش شده است با تنظیم فهرس مختلف، کار پژوهش در کتاب حاضر بسیار آسان گردد.

در پایان بر خود واجب مؤکد و مسلم می‌دانیم که از همه همکاران بزرگواری که به هر طریق در به ثمر رسیدن این کار به ما یاری رساندند، کمال تشکر و امتنان و قدردانی را داشته و دعاگوی همیشگی آنها باشیم. به ویژه سرکار خانم اعظم محمددخت که ویراستاری ادبی و بازخوانی متن را به عهده داشته و حقیقتاً دقت فراوانی را مبذول فرموده و زحمات زیادی را متحمل شدند و نیز آقای علیرضا مال میر و سرکار خانم سایه مال میر که حروف‌نگاری متن حاضر را به عهده داشتند و انصافاً بذل توجه ویژه‌ای نموده‌اند و همچنین خانم‌ها سمیه فلاحتی‌نژاد و کلثوم ملکی که در تنظیم فهرس و

صفحه آرابی و نمونه خوانی متن حروف نگاری شده، بسیار زحمت کشیدند.

همچنین به طور اخص از اعضای شورای شهر کرمانشاه، به ویژه جناب آقای سید حجت الله موسوی اجاق و نیز مسئولان محترم شهرداری کرمانشاه که بخشی از هزینه چاپ اول این کتاب را به مناسبت همایش بین المللی «گونه های ادبی در مکتب ادبی کرمانشاه»، فراهم نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم و برای همه آن عزیزان از درگاه خداوند متان، توفیق روزافزون و سعادت دنیا و آخرت را مسألت می نمایم.

و آخر دعوانا

ان الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و علی اهل بیتی

الطیبین الطاهرین المعصومین المنتجبین

من الآن إلى قیام یوم الدین.

کرمانشاه

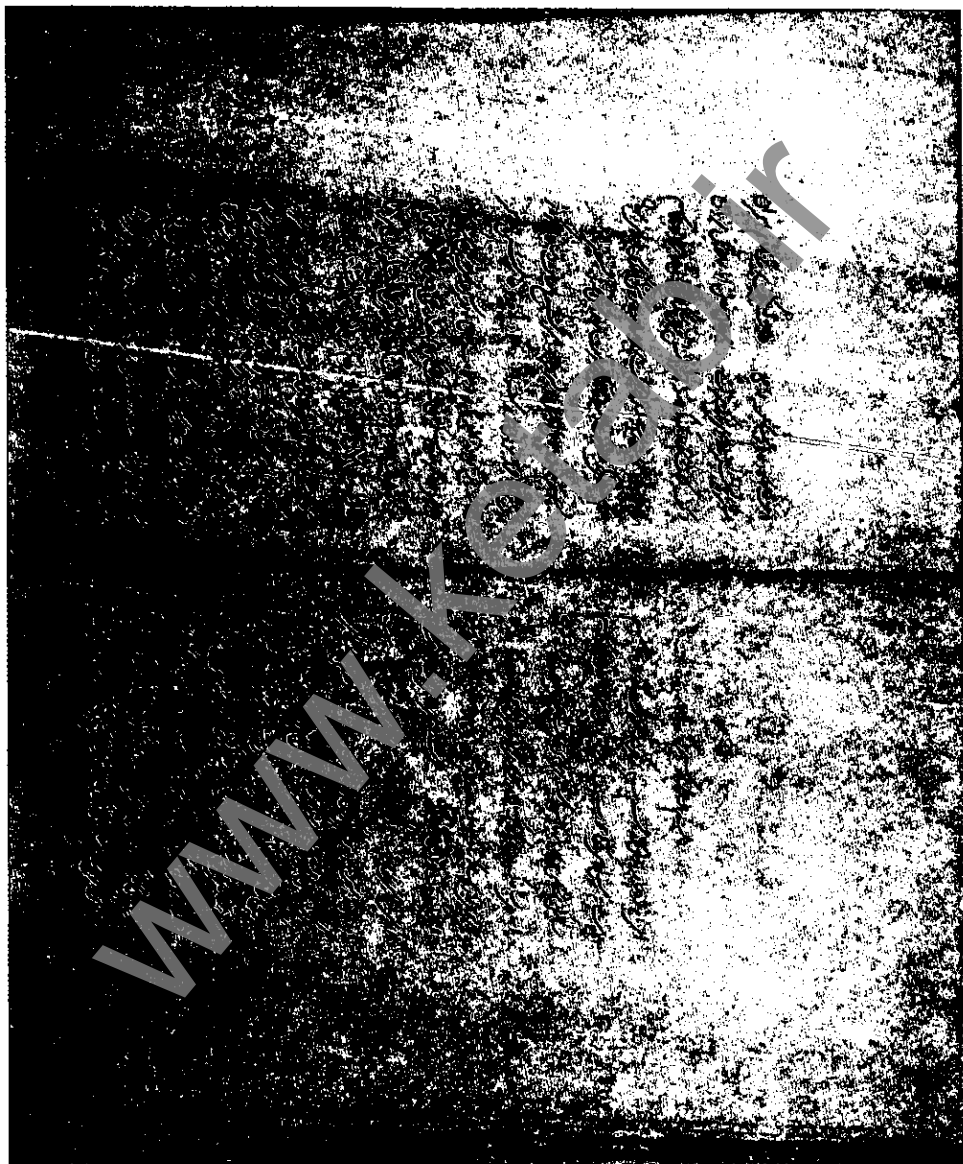
خرداد ۱۳۹۱ ه. ش.



تصویر برگ اول دیوان اطریشی (مر)

www.ketab.ir

تصویر برکن آخر دیوان الطهرنیه (مر)



تصویر برک اول دیوان الطیر (نسخه)



تصویر برگ آخردیوان اهدونسخه